



بررسی رابطه میان استرس پس از حادثه و رشد پس از حادثه در میان جوانان شهر کابل: نقش میانجی معنایابی

پوهنیار محمد جواد میرزایی

دیپارتمنت روان‌شناسی پوهنځی روان‌شناسی و علوم تربیتی پوهنتون کابل، افغانستان

ایمیل: Jawadmirzaee1371@gmail.com

چکیده

این تحقیق به بررسی رابطه میان اختلال استرس پس از حادثه و رشد پس از حادثه و همچنین نقش میانجی معنایابی در میان جوانان شهر کابل پرداخت. این مطالعه کمی و مقطعی با مشارکت ۵۸۶ جوان ۱۸ تا ۳۵ ساله که تجربه حداقل یک رویداد آسیب‌زا را گزارش کرده بودند، انجام شد. معلومات با استفاده از پرسش‌نامه‌های استرس پس از حادثه، رشد پس از حادثه و معنای زندگی گردآوری و از طریق همبستگی پیرسون، رگرسیون و مدل‌یابی معادلات ساختاری تحلیل شدند. نتایج نشان داد رابطه مستقیم معناداری میان PTSD و PTG وجود ندارد. بین PTSD و معنایابی رابطه مثبت ضعیف اما معنادار مشاهده شد، اما معنایابی نقش میانجی معناداری در رابطه بین PTSD و PTG ایفا نکرد. یافته‌ها بیانگر آن است که رشد پس از حادثه مستقل از شدت علائم استرس پس از حادثه بوده و معنایابی به‌تنهایی برای تحقق آن کافی نیست. این نتایج بر اهمیت عوامل روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی در تبیین رشد پس از حادثه تأکید دارد.

واژه‌های کلیدی: استرس پس از حادثه؛ جوانان؛ رشد پس از حادثه؛ معنایابی

Investigating the Relationship Between Post-Traumatic Stress Disorder and Post-Traumatic Growth Among Kabul City Youth: The Mediating Role of Meaning-Making

Mohammad Jawad Mirzaee

Department of Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kabul University, Afghanistan

Email: Jawadmirzaee1371@gmail.com

Abstract

This study examined the relationship between post-traumatic stress disorder (PTSD) and post-traumatic growth (PTG), as well as the mediating role of meaning-making among young people in Kabul. The research employed a quantitative cross-sectional design with 586 participants aged 18–35 who reported experiencing at least one traumatic event. Data were collected using standardized questionnaires on post-traumatic stress, post-traumatic growth, and meaning in life, and were analyzed through Pearson correlation, regression analysis, and structural equation modeling. The results indicated no significant direct relationship between PTSD and PTG. A weak but statistically significant positive relationship was found between PTSD and meaning-making; however, meaning-making did not play a significant mediating role in the relationship between PTSD and PTG. The findings suggest that post-traumatic growth is independent of PTSD symptom severity and that meaning-making alone is insufficient to facilitate growth. These results highlight the importance of psychological, social, and cultural factors in explaining post-traumatic growth.

Keywords

Post-Traumatic Stress; Youth; Post-Traumatic Growth; Meaning-Making

مقدمه

جوامعی که در خطر بی‌ثباتی مزمن، جنگ و بحران‌های اجتماعی قرار دارند، با پیامدهای روان‌شناختی عمیق و پیچیده مواجه‌اند. افغانستان یکی از برجسته‌ترین این جوامع است؛ کشوری که طی دهه‌ها درگیری مداوم، تغییرات سیاسی، فقر ساختاری و ناامنی قرار داشت. این وضعیت به‌ویژه برای جوانان که در دوره حساس رشد شناختی و هیجانی هستند، چالش‌های بزرگی را در سلامت روان ایجاد می‌کند. در یک مطالعه اخیر بر روی جوانان کابل، محققان دریافتند که تقریباً نیمی از شرکت‌کنندگان معیار احتمال استرس پس از حادثه، افسردگی یا اختلال اضطرابی را دارند (احمدی و همکاران، ۲۰۲۲). اختلال استرس پس از حادثه یکی از مهم‌ترین پیامدهای روان‌شناختی تجربه‌ی تروما به‌شمار می‌رود. این اختلال با مجموعه‌ای از علائم مشخص می‌شود که شامل بازتجربه‌ی مکرر رویداد آسیب‌زا (مانند خاطرات مزاحم، کابوس‌ها و فلش‌بک‌ها)، اجتناب مداوم از محرک‌های مرتبط با تروما، تغییرات منفی پایدار در شناخت‌ها و خلق (از جمله باورهای منفی درباره‌ی خود یا جهان و کاهش علاقه به فعالیت‌ها)، و افزایش برانگیختگی و واکنش‌پذیری (مانند تحریک‌پذیری، گوش‌به‌زنگی افراطی و اختلال خواب) است. مطابق با معیارهای تشخیصی، تداوم این علائم برای بیش از یک ماه و ایجاد اختلال معنا دار در عملکرد فرد، از شرایط لازم برای تشخیص این اختلال محسوب می‌شود (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۲۲). در مطالعه‌ای بر نوجوان افغان پناهجو در انگلیس، حدود ۳۴.۳٪ از شرکت‌کنندگان در سطحی قرار گرفتند که احتمال استرس پس از حادثه برآورد شد، که نشان‌دهنده شیوع بالای علائم استرس پس از حادثه در این گروه می‌باشد. همچنین بررسی‌های جامعه پایه در افغانستان نشان‌دهنده میزان بالای تجربه تروما در بین بزرگسالان است، که با خطر افزایش علائم روان‌شناختی از جمله استرس پس از حادثه مرتبط است (برونستین، ۲۰۱۲).

در مقابل تحقیقات روان‌شناسی نشان داده‌اند که برخلاف تمرکز صرف بر پیامدهای منفی تروما، برخی افراد پس از مواجهه با آسیب روان‌شناختی تجربه‌های مثبت و تحولی نیز دارند؛ پدیده‌ای که به عنوان رشد پس از حادثه شناخته می‌شود. مطالعات نشان می‌دهند که رابطه میان شدت علائم استرس پس از حادثه و میزان رشد پس از حادثه ممکن است غیرخطی و به شکل منحنی U باشد؛ به طوری که بیشترین میزان رشد در سطوح متوسط علائم استرس پس از حادثه مشاهده می‌شود، در حالی که در سطوح بسیار پایین یا بسیار بالا از علائم استرس پس از حادثه، سطح رشد به طور قابل توجهی کمتر گزارش شده است (شاکیسپر و همکاران، ۲۰۱۴). همچنین، یک مطالعه در میان بزرگسالانی که دچار تروما شده‌اند نشان داده که رابطه بین رشد پس از حادثه و استرس پس از حادثه به صورت منحنی‌ای

خطی است: یعنی افرادی که رشد خیلی کم یا خیلی زیاد داشتند، علائم استرس پس از حادثه کمتری را نشان می‌دهند، اما کسانی که رشد متوسط داشته‌اند، گاهی بیشترین علائم را داشتند (کلیم و اهلرز، ۲۰۰۹).

یکی از مکانیسم‌های مهمی که برای تبیین رشد پس از حادثه پیشنهاد شده است، روند معنایابی است. معنایابی شامل تلاش فرد برای فهم و بازسازی تجربه آسیب‌زا در چارچوب باورها، ارزش‌ها و جهان‌بینی اوست. این جریان می‌تواند به بازنگری در باورهای بنیادی، ساخت معنای جدید و سازگاری مؤثرتر با واقعیت پس از تروما منجر شود؛ عواملی که زیربنای رشد پس از حادثه محسوب می‌شوند. تحقیقات نشان داده‌اند که معنایابی فعال با سطح بیشتر رشد پس از حادثه مرتبط است. برای مثال، پارک (۲۰۱۰) در مرور نظری خود تأکید می‌کند که ایجاد معنایابی از هسته‌ای‌ترین جریان‌های شکل‌گیری رشد پس از حادثه است. همچنین، تحقیقات المیدیا و همکاران (۲۰۲۲)، نشان می‌دهد که تلاش برای معنایابی و یافتن معنا با شاخص‌های بالاتر رشد پس از حادثه همراه است. افزون بر این، وانگ و همکاران (۲۰۲۱) در یک متاآنالیز نیز گزارش کردند که معنای زندگی و معنایابی با رشد پس از حادثه همبستگی متوسط ولی معنادار دارند.

در افغانستان معنایابی ممکن است اهمیت ویژه‌ای داشته باشد، چرا که فرهنگ اجتماعی، مذهب و ساختار خانواده‌ی جمع‌گرا، می‌تواند منابع قوی برای بازسازی معنا فراهم کند. در عین حال، موانع بزرگی مانند فقدان خدمات صحت روان، ناپایداری اقتصادی و ترومای مکرر ممکن است جریان معنایابی را پیچیده‌تر کند. مطالعه‌ای کیفی بر جوانان افغان نشان داده است که پس از فوت پدر به دلیل خشونت یا جنگ، جوانان می‌توانند رشد پس از حادثه را تجربه کنند؛ آن‌ها رشد معنوی، امید به آینده، و حمایت اجتماعی را عامل اصلی این روند دانسته‌اند (پویا و همکاران، ۲۰۲۵).

در شرایط خاص افغانستان، هرچند مطالعات بومی در بخش استرس پس از حادثه فراوان‌اند، اما تحقیقات اندک به رشد پس از حادثه و معنایابی پرداخته‌اند. بخش بزرگی از ادبیات محلی و محققان افغانستان بر ارزیابی علائم منفی تمرکز دارد، در حالی که ظرفیت رشد و روندهای مثبت به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته‌اند. این کمبود، خلأ مهمی را نشان می‌دهد؛ زیرا ساختارهای فرهنگی-مذهبی، خانواده‌های گسترده و تجربه مشترک رنج در افغانستان می‌تواند ظرفیت قوی برای معنایابی و رشد پس از حادثه فراهم آورد. از طرف دیگر، موانعی چون فقر و فقدان دسترسی به خدمات سلامت روان ممکن است این ظرفیت را محدود کند (دومین و همکاران، ۲۰۱۸). با توجه به این زمینه نظری و شواهد اولیه از افغانستان، بررسی تعامل میان شدت علائم استرس پس از حادثه، معنایابی و رشد پس

از حادثه در جوانان افغان ضروری به نظر می‌رسد. چنین تحقیقی می‌تواند به درک بهتر چگونگی سازگاری روان‌شناختی در مواجهه با آسیب طولانی مدت کمک کند و راهنمایی برای مداخلات مبتنی بر معنا، تاب‌آوری و حمایت اجتماعی فراهم آورد. بنابراین، تحقیق حاضر با هدف اصلی بررسی نقش میانجی‌گر معنایی در رابطه بین اختلال استرس پس از حادثه و رشد پس از حادثه در میان جوانان شهر کابل انجام شد. بر این اساس، فرضیه اصلی تحقیق آن بود که معنایی به‌طور معناداری رابطه بین استرس پس از حادثه و رشد پس از حادثه را میانجی‌گری می‌کند.

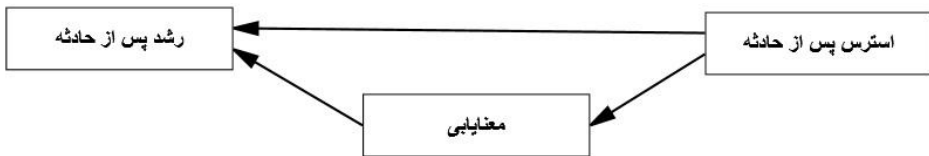
پیشینه تحقیق

در تحقیقات معاصر، توجه زیادی به پدیده رشد پس از حادثه در جمعیت‌هایی شده است که تروماهای جدی چون جنگ، آوارگی و خشونت را تجربه کرده‌اند. اگرچه پیامدهای منفی تروما به خوبی مستند شده‌اند، اما شواهد نشان می‌دهد که بسیاری از نوجوانان و کودکان در این زمینه‌ها قادر به تجربه تحول مثبت نیز هستند. در بررسی سیستماتیک و متاآنالیز رشد پس از حادثه در کودکان و نوجوانان درگیری در درگیری مسلحانه مشخص شد که نمرات رشد پس از حادثه در این گروه از حداقل ۲،۵ تا بیش از ۸۱،۸۴ در مقیاس رشد پس از حادثه متغیر است، که نشان‌دهنده دامنه وسیع تجارب مثبت است (فیاض و خان، ۲۰۲۵). عواملی مانند حمایت اجتماعی، باورهای مذهبی یا فرهنگی و سطح علائم استرس پس از حادثه با رشد پس از حادثه همبستگی دارند. مطالعه‌ای دیگر در میان پناهجویان سوری و عراقی (نمونه بزرگ به تعداد بیش از ۳ هزار نفر) نشان داد که رشد پس از حادثه و علائم استرس پس از تروما ساختارهای متمایز اما مرتبطی دارند؛ رابطه‌ای تا حدودی مثبت وجود دارد. به بیان دیگر، سطوح متوسط علائم استرس اغلب با بیشترین رشد پس از تروما همراه بود، در حالی که در سطوح بسیار پایین یا بسیار بالا رشد کمتری گزارش شد (کانگاسلامپی و همکاران، ۲۰۲۲). این یافته تأکید می‌کند که تجربه رشد ضرورتاً با حذف پزیشانی هم‌زمان نیست، بلکه ممکن است یک دوره چالش‌برانگیز شناختی و عاطفی، پیش‌نیاز رشد باشد. در مورد مکانیزم‌های روان‌شناختی که ممکن است این رابطه را واسطه‌گری کند، معنایی یکی از مهم‌ترین روندها شناخته شده است. مدل‌های نظری و مطالعات تجربی نشان می‌دهند افرادی که به‌طور فعال معنا خلق می‌کنند، یعنی روایت جدیدی از تجربه خود می‌سازند، باورهای پیشین‌شان را بازنگری می‌کنند و جنبه‌های جدیدی از خود و زندگی‌شان را کشف می‌کنند، احتمال بیشتری دارد رشد پس از حادثه را تجربه کنند (بلیکس و همکاران، ۲۰۱۳؛ کابی و همکاران، ۲۰۲۲). این معنایی نه تنها رشد را پیش‌بینی می‌کند بلکه می‌تواند به عنوان عامل محافظت‌کننده در برابر استرس پس از حادثه عمل کند.

به ویژه در جمعیت‌هایی که در خطر تروما هستند. تحقیقات سیستماتیک نشان داده‌اند که در میان کودکان و نوجوانانی که تروما را تجربه کرده‌اند، وجود علائم استرس پس از تروما و استفاده از بازی‌های مثبت ارزیابی مجدد و تفکر هدفمند از عوامل مهم رشد پس از حادثه هستند (میرسون و همکاران، ۲۰۱۱). این شواهد، نقش حیاتی روندهای شناختی را در مسیر تبدیل تجربه آسیب‌زا به رشد مثبت تأیید می‌کنند. تحلیل ادبیاتی نشان می‌دهد که بررسی تعامل میان شدت استرس پس از حادثه، معنایابی و رشد پس از حادثه در میان جوانان افغان بسیار ضروری است، در حالی که ترومای جنگ می‌تواند نفوذ منفی زیادی بر سلامت روان داشته باشد، ظرفیت رشد مثبت از طریق معنایابی و حمایت فرهنگی وجود دارد. مداخلات بومی که معنایابی را تقویت می‌کنند مانند گروه‌های جوانان، فعالیت‌های معنوی و جمعی، و مداخلات روان‌شناختی مبتنی بر روایت، می‌توانند نقش مهمی در تقویت تاب‌آوری روانی و بازسازی اجتماعی ایفا کنند (تدسکی و کال‌کون، ۱۹۹۶).

فرضیه‌های تحقیق قرار ذیل است.

- بین شدت علائم اختلال استرس پس از حادثه و رشد پس از حادثه در میان جوانان کابل رابطه معنادار وجود دارد.
- بین اختلال استرس پس از حادثه و معنایابی رابطه معنادار وجود دارد.
- بین معنایابی و رشد پس از حادثه رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.
- معنایابی نقش میانجی در رابطه بین اختلال استرس پس از حادثه و رشد پس از حادثه دارد.



شکل ۱: مدل میانجی تحقیق

روش تحقیق

تحقیق حاضر یک مطالعه کمی، مقطعی و همبستگی-تحلیلی است که با هدف بررسی رابطه بین اختلال استرس پس از حادثه و رشد پس از حادثه، با نقش میانجی معنایابی، در میان جوانان شهر کابل انجام شد. انتخاب طرح مقطعی به دلیل امکان جمع‌آوری سریع داده‌ها در محیط‌های اجتماعی متلاطم و مناسب بودن آن برای تحلیل همزمان متغیرهای پیش‌بین، میانجی و پیامد صورت گرفت. روابط میان متغیرها بر اساس چارچوب نظری پارک (۲۰۱۰) و تدسکی و کال‌کون (۱۹۹۶) بررسی شد.

جامعه آماری

جامعه آماری این تحقیق شامل جوانان ۱۸ تا ۳۵ ساله ساکن شهر کابل بود که تجربه حداقل یک رویداد آسیب‌زا در طول زندگی را داشته‌اند.

نمونه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری شامل جوانان ۱۸ تا ۳۵ ساله ساکن کابل با تجربه حداقل یک رویداد آسیب‌زا بود. نمونه‌گیری در دسترس اما به صورت هدفمند از نواحی ۵، ۶، ۲، ۴، ۸ و ۹ شهر کابل انجام شد. حجم نمونه اولیه ۶۷۰ نفر در نظر گرفته شد و پس از بررسی پرسشنامه‌ها از نظر کامل بودن و کیفیت پاسخ‌دهی، پرسشنامه‌های ناقص یا دارای پاسخ‌دهی نامتغیر حذف شد و ۵۸۶ پرسشنامه معتبر برای تحلیل باقی ماند. معیارهای ورود شامل رضایت آگاهانه، سکونت در کابل و تجربه حداقل یک رویداد آسیب‌زا و معیارهای خروج شامل تکمیل ناقص پرسشنامه یا پاسخ‌دهی نامتغیر (مانند انتخاب یک گزینه ثابت در طول یک مقیاس). بود. این روش نمونه‌گیری با جمع‌آوری داده‌ها از مکان‌ها و محیط‌های متنوع شهر و بازبینی دقیق پرسشنامه‌ها، نماینده بخش‌های مختلف جامعه هدف بوده و امکان بررسی دقیق رابطه میان استرس پس از حادثه و رشد پس از حادثه و همچنین نقش میانجی معنایی در میان جوانان کابل را فراهم ساخت.

ابزار گردآوری داده‌ها

الف) پرسش‌نامه اختلال استرس پس از حادثه: برای سنجش شدت علائم اختلال استرس پس از حادثه، از پرسش‌نامه منتشرشده در رهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی (نسخه پنجم، ۲۰۱۳؛ ویترز و همکاران، ۲۰۱۵) استفاده شد. نسخه فارسی این پرسش‌نامه توسط حسن‌نژاد رسکتی (۲۰۲۵) ترجمه و روان‌سنجی شده است. این پرسش‌نامه شامل بیست سؤال است که هر یک بر اساس مقیاس پنج‌درجه‌ای از «اصلاً» تا «بسیار زیاد» نمره‌گذاری می‌شوند و دامنه نمرات بین صفر تا هشتاد است؛ نمرات بالاتر نشان‌دهنده شدت بیشتر علائم اختلال استرس پس از حادثه می‌باشند. پرسش‌نامه دارای چهار زیرمقیاس مطابق با نسخه پنجم رهنما است: بازتجربه رویداد (سؤالات ۱ تا ۵)، اجتناب (سؤالات ۶ تا ۷)، تغییرات شناختی و خلقی (سؤالات ۸ تا ۱۴) و برانگیختگی و واکنش‌پذیری فزیولوژیک (سؤالات ۱۵ تا ۲۰). تحقیقات روان‌سنجی متعدد نشان داده‌اند که این پرسش‌نامه از همسانی درونی بسیار بالایی برخوردار است، به‌گونه‌ای که ضریب پایایی نمره کل آن در مطالعات مختلف بین ۰٫۹۴ تا ۰٫۹۶ گزارش شده است (ویترز و همکاران، ۲۰۱۳؛ بلوینز و همکاران، ۲۰۱۵؛

اشبوغ و همکاران، ۲۰۱۶) و در تحقیق حاضر نیز ضریب پایایی آن ۰,۹۴، به دست آمد که در محدوده گزارش‌های پیشین قرار دارد.

ب) پرسش‌نامه معنایی: برای اندازه‌گیری معنایی، از پرسش‌نامه ده‌سؤالی معنای زندگی ارائه شده توسط استگر و همکاران (۲۰۰۶) استفاده شد. نسخه فارسی این پرسش‌نامه توسط شریفی‌نیا و همکاران (۲۰۲۳) ترجمه و روان‌سنجی شده است. این پرسش‌نامه دارای دو زیرمقیاس است: حضور معنا (سؤالات ۱ تا ۵) و جست‌وجوی معنا (سؤالات ۶ تا ۱۰). پاسخ‌دهی در مقیاس هفت‌درجه‌ای انجام می‌شود و نمرات بالاتر نشان‌دهنده میزان بیشتر معنا یا تلاش برای یافتن معنا در زندگی است. مطالعات روان‌سنجی نشان داده‌اند که این پرسش‌نامه از همسانی درونی بالایی برخوردار است و ضریب پایایی نمره کل آن در برخی تحقیقات برابر یا بیش از ۰,۹۰ گزارش شده است (استگر و همکاران، ۲۰۰۸؛ شولنبرگ و همکاران، ۲۰۱۱؛ دامازیو و همکاران، ۲۰۱۵). در تحقیق حاضر نیز ضریب پایایی کل این پرسش‌نامه ۰,۹۲، به دست آمد که با یافته‌های پیشین همخوانی دارد.

ج) پرسش‌نامه رشد پس از حادثه: برای سنجش میزان رشد پس از حادثه، از پرسش‌نامه رشد پس از حادثه طراحی شده توسط تدرسکی و کال‌کون (۱۹۹۶) استفاده شد. نسخه فارسی این پرسش‌نامه توسط حیدرزاده و همکاران (۲۰۱۷) ترجمه و اعتبارسنجی شده است. این ابزار شامل بیست‌ویک سؤال است و پاسخ‌ها بر اساس مقیاس شش‌درجه‌ای از صفر (هیچ) تا پنج (بسیار زیاد) نمره‌گذاری می‌شوند. این پرسش‌نامه پنج زیرمقیاس اصلی را ارزیابی می‌کند که شامل روابط با دیگران (سؤالات ۱ تا ۷)، فرصت‌های جدید (سؤالات ۸ تا ۱۲)، قدرت شخصی (سؤالات ۱۳ تا ۱۶)، تغییرات معنوی (سؤالات ۱۷ تا ۱۸) و قدردانی از زندگی (سؤالات ۱۹ تا ۲۱) است. دامنه نمره کل بین صفر تا صد و پنج قرار دارد و نمرات بالاتر نشان‌دهنده سطح بالاتر رشد ادراک شده پس از حادثه می‌باشند. یافته‌های تحقیقات روان‌سنجی متعدد نشان داده‌اند که این پرسش‌نامه از همسانی درونی بسیار بالایی برخوردار است، به‌گونه‌ای که ضریب پایایی نمره کل آن در مطالعات مختلف بین ۰,۹۰ تا ۰,۹۶ گزارش شده است (تدرسکی و کال‌کون، ۱۹۹۶؛ تدرسکی و کال‌کون، ۲۰۰۴؛ کان و همکاران، ۲۰۱۰) و در تحقیق حاضر نیز ضریب پایایی این ابزار ۰,۹۶، به دست آمد که با گزارش‌های معتبر پیشین همخوانی دارد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از تکمیل پرسش‌نامه‌ها، داده‌ها داخل نرم‌افزار آماری (SPSS-27) داخل شده و از نگاه نواقص، داده‌های گمشده و داده‌های غیرعادی بررسی گردید. در مرحله نخست، به‌منظور توصیف مشخصات نمونه و متغیرهای تحقیق، احصائیه‌های توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر

برای هر متغیر محاسبه شد. در مرحله بعد، به منظور بررسی رابطه میان شدت علائم اختلال استرس پس از حادثه، معنایابی و رشد پس از حادثه، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید. به منظور آزمون فرضیه‌های اصلی تحقیق و بررسی نقش میانجی معنایابی در رابطه میان اختلال استرس پس از حادثه و رشد پس از حادثه، از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار آموس (Amos-24) استفاده شد. در این تحلیل، مسیر مستقیم اختلال استرس پس از حادثه به رشد پس از حادثه و مسیر غیرمستقیم آن از طریق معنایابی به گونه هم‌زمان مورد بررسی قرار گرفت. آزمون‌های پیش‌نیاز رگرسیون شامل بررسی نرمال بودن داده‌ها، خطی بودن روابط، استقلال خطاها و همگنی واریانس‌ها انجام شد تا اطمینان حاصل شود داده‌ها شرایط تحلیل رگرسیونی را دارند. تمام تحلیل‌ها با سطح معناداری ۰.۰۵ انجام شد.

ملاحظات اخلاقی

در اجرای این تحقیق، تمامی اصول اخلاقی تحقیق رعایت گردید. اشتراک‌کنندگان در تحقیق کاملاً داوطلبانه بوده و آنان حق داشتند در هر مرحله بدون هیچ‌گونه پیامد منفی از ادامه همکاری انصراف دهند. همچنان به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات آنان به صورت محرمانه نگهداری شده و هویت آنان محفوظ خواهد ماند. داده‌های جمع‌آوری شده صرفاً برای اهداف علمی این تحقیق استفاده گردیده و نتایج به صورت کلی و بدون افشای اطلاعات فردی گزارش خواهد شد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

جدول ۱: توزیع فراوانی و فیصد نمونه بر اساس سن، جنسیت و وضعیت تأهل

متغیر	طبقه	تعداد (نفر)	فیصد (%)
جنسیت	مرد	۳۹۰	۶۶.۶
	زن	۱۹۶	۳۳.۴
سن	۱۸-۲۴ سال	۲۷۵	۴۶.۹
	۲۵-۳۰ سال	۱۹۵	۳۳.۳
	۳۱-۳۵ سال	۱۱۶	۱۹.۸
وضعیت تأهل	مجرد	۳۸۰	۶۴.۸
	متأهل	۲۰۶	۳۵.۲

جدول ۱ نشان می‌دهد که سهم شرکت‌کنندگان بر اساس جنسیت نامتقارن است؛ بیشترین تعداد مربوط به مردان (۶۶,۶٪) و کمترین مربوط به زنان (۳۳,۴٪) است. از نظر گروه سنی، بیشترین شرکت‌کنندگان ۱۸ تا ۲۴ سال (۴۶,۹٪) و کمترین در گروه ۳۱ تا ۳۵ سال (۱۹,۸٪) قرار دارند. همچنین، بررسی وضعیت تأهل نشان می‌دهد که اکثریت شرکت‌کنندگان مجرد (۶۴,۸٪) و بخش کمتری متأهل (۳۵,۲٪) بوده‌اند.

جدول ۲: توزیع فراوانی و فیصد نمونه بر اساس تحصیلات، شغل و درآمد

متغیر	طبقه	تعداد (نفر)	فیصد (%)
تحصیلات	فارغ ۱۲	۲۰۴	۳۴,۸
	لیسانس	۳۲۳	۵۵,۱
	ماستر	۵۹	۱۰,۱
شغل	محصل	۲۲۷	۳۸,۷
	کارمند	۱۵۲	۲۵,۹
	بیکار	۲۰۷	۳۵,۳
درآمد	زیاد	۱۱۶	۱۹,۸
	متوسط	۲۵۵	۴۳,۵
	کم	۲۱۵	۳۶,۷

جدول ۲ نشان می‌دهد که از لحاظ تحصیلات، بیشترین شرکت‌کنندگان دارای لیسانس (۵۵,۱٪) و کمترین دارای ماستر (۱۰,۱٪) هستند، در حالی که (۳۴,۸٪) فارغ ۱۲ بوده‌اند. این توزیع بیانگر تمرکز عمده نمونه بر افراد با تحصیلات متوسط و بالاتر است. بر اساس وضعیت شغلی، بیشترین شرکت‌کنندگان محصلان (۳۸,۷٪) و کمترین کارمندان (۲۵,۹٪) هستند، در حالی که (۳۵,۳٪) بیکار بوده‌اند. از نظر درآمد، اکثریت شرکت‌کنندگان در گروه درآمد متوسط (۴۳,۵٪) قرار دارند، در حالی که (۱۹,۸٪) درآمد زیاد و (۳۶,۷٪) درآمد کم داشته‌اند.

جدول ۳: میانگین و انحراف معیار متغیرهای اصلی تحقیق

متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
اختلال استرس پس از حادثه	۱۱	۷۹	۴۳,۴۳	۱۲,۱۳	۰,۰۱-	۰,۳۷-
معنایابی	۲۰	۷۰	۴۷,۷۹	۸,۴۸	۰,۲۳-	۰,۰۹
رشد پس از حادثه	۲۷	۹۹	۶۴,۲۲	۱۳,۵۷	۰,۰۸-	۰,۴۳-

جدول ۳ نشان می‌دهد که میانگین نمرات اختلال استرس پس از حادثه ۴۳,۴۳ قرار دارد که در دامنه میانگین متغیرها واقع است و انحراف معیار ۱۲,۱۳ نشان‌دهنده پراکندگی نسبتاً متوسط نمرات است.

چولگی تقریباً صفر (۰,۰۱-) نشان می‌دهد که توزیع این متغیر تقریباً نرمال است، و کشیدگی منفی (۰,۳۷-) بیانگر تمرکز داده‌ها در اطراف میانگین است. برای متغیر معنایابی، میانگین ۴۷,۷۹ و انحراف معیار ۸,۴۸ نشان‌دهنده پراکندگی متوسط نمرات است. چولگی منفی (۰,۲۳-) و کشیدگی تقریباً صفر (۰,۰۹) بیانگر توزیع نسبتاً متقارن و نزدیک به نرمال است. متغیر رشد پس از حادثه میانگین ۶۴,۲۲ و انحراف معیار ۱۳,۵۷ دارد که نشان‌دهنده سطح متوسط تا بالای رشد ادراک شده در نمونه است. چولگی نزدیک به صفر (۰,۰۸-) و کشیدگی منفی (۰,۴۳-) حاکی از توزیع تقریباً نرمال با تمرکز اندکی در اطراف میانگین است.

یافته‌های استنباطی

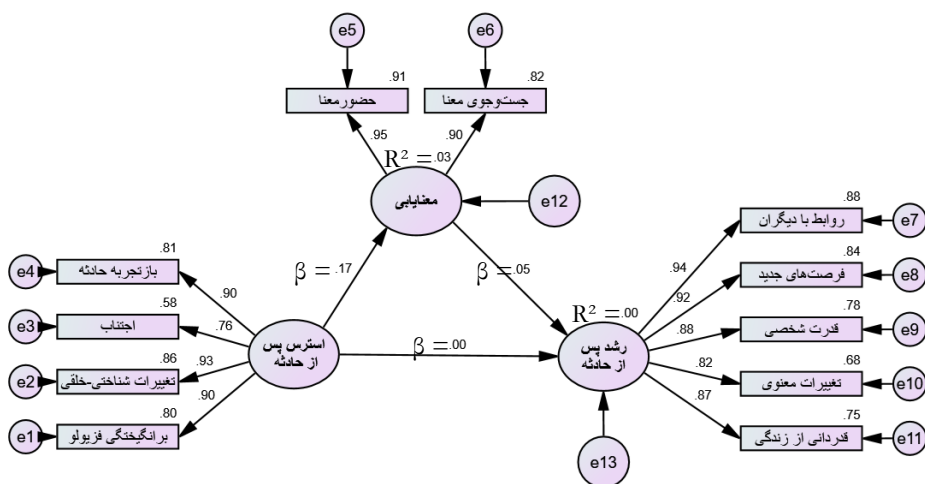
جدول ۴: ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی تحقیق

متغیر	۱	۲	۳
اختلال استرس پس از حادثه	۱		
معنایابی	۰,۱۵۶**	۱	
رشد پس از حادثه	۰,۰۰۷	۰,۰۵۲	۱

جدول ۴ نشان می‌دهد که بین اختلال استرس پس از حادثه و معنایابی رابطه مثبت ضعیف اما معناداری وجود دارد ($r = 0,156, P < 0,01$). این یافته بیانگر آن است که با افزایش نشانه‌های اختلال استرس پس از حادثه، میزان معنایابی نیز اندکی افزایش می‌یابد. در تحلیل همبستگی خطی پیرسون، بین اختلال استرس پس از حادثه و رشد پس از حادثه همبستگی معناداری یافت نشد ($r = 0,007, P < 0,05$). همچنین، بین معنایابی و رشد پس از حادثه نیز همبستگی خطی معنادار مشاهده نشد ($P < 0,05$). بنابراین، در چارچوب روابط خطی، رشد پس از حادثه در این نمونه با شدت علائم PTSD و میزان معنایابی همبستگی معنادار ندارد. البته همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، برخی مطالعات رابطه غیرخطی (U شکل) گزارش کرده‌اند که بررسی آن نیازمند مدل‌های جداگانه است.

داده‌ها پس از جمع‌آوری، با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS-27 و AMOS-24 تحلیل گردید. پیش از بررسی روابط علی در مودل پیشنهادی، مفروضه‌های آماری لازم مورد چک قرار گرفت. در گام نخست، مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌ها از راه شاخص‌های چولگی و کشیدگی بررسی شد. نتایج نشان داد که مقادیر چولگی و کشیدگی برای هیچ‌یک از متغیرهای اختلال استرس پس از حادثه، معنایابی و رشد پس از حادثه از حدود قابل قبول ($|3|$ برای چولگی و $|8|$ برای کشیدگی) فراتر نرفته است؛ بنابراین، توزیع داده‌ها تقریباً نرمال و استفاده از روش‌های پارامتریک مجاز تشخیص داده شد. همچنان، به منظور بررسی داده‌های پرت، نمرات استاندارد Z در محیط SPSS محاسبه شد. نتایج نشان

داد که داده‌های پرت معناداری در متغیرهای تحقیق وجود ندارد. علاوه بر این، مفروضه عدم هم‌خطی چندگانه با استفاده از شاخص‌های تحمل (Tolerance) و عامل تورم واریانس (VIF) بررسی گردید. مقادیر VIF برای همه متغیرها کمتر از ۱۰ و مقادیر تحمل بزرگ‌تر از ۰,۱۰ بود؛ بنابراین، مشکل هم‌خطی چندگانه مشاهده نشد. پس از تأیید مفروضه‌های آماری، برای بررسی روابط ساختاری میان متغیرها و نقش معنایی به عنوان متغیر میانجی بین اختلال استرس پس از حادثه و رشد پس از حادثه، از مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) در نرم‌افزار AMOS-24 استفاده گردید. برآورد پارامترهای مدل با روش حداکثر درست‌نمایی (Maximum Likelihood) انجام شد. تناسب مدل با شاخص‌های متداول شامل χ^2/df ، CFI، TLI، GFI و RMSEA ارزیابی شد. معیارهای پذیرفته‌شده شامل χ^2/df کمتر از ۳، CFI و TLI بالاتر از ۰,۹۰ و RMSEA کمتر از ۰,۰۸ در نظر گرفته شد. علاوه بر این، اثرات غیرمستقیم میانجی با روش بوت‌استرپ با ۵۰۰۰ بازنمونه‌گیری و فاصله اطمینان ۹۵٪ سنجیده شد. نتایج مدل و مسیرها در شکل ۲ نشان داده شده است.



شکل ۲: مدل معادلات ساختاری نقش معنایی در رابطه بین اختلال استرس پس از حادثه و رشد پس از حادثه در جوانان

نتایج مربوط به شاخص‌های تناسب مدل مفروض میانجی معنایی در رابطه بین اختلال استرس پس از حادثه و رشد پس از حادثه، نشان‌دهنده تناسب قابل قبول مدل با داده‌ها بود ($\chi^2/df = ۰,۸۳۷$ ، $CFI = ۱,۰۰۰$ ، $GFI = ۰,۹۹۰$ ، $RMSEA = ۰,۰۰۰$). با این حال، همان‌طور که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، مسیرهای مستقیم اختلال استرس پس از حادثه به رشد پس از حادثه و معنایی به رشد پس از حادثه از نظر آماری معنادار نبودند (به ترتیب $\beta = -۰,۰۰۳$ ، $p = ۰,۹۴۵$ و $\beta = ۰,۰۵۱$ ، $p = ۰,۲۵۶$). همچنین، نتایج روش بوت‌استرپ با ۵۰۰۰ بازنمونه‌گیری نشان داد که اثر غیرمستقیم اختلال استرس

پس از حادثه بر رشد پس از حادثه از طریق معنایابی نیز معنادار نیست (فاصله اطمینان ۹۰٪ شامل صفر بود: [۰,۳۵, -۰,۱۳۳]). بنابراین، فرضیه میانجی معنایابی در این نمونه تأیید نشد. این مدل در مجموع تنها ۳,۰٪ از واریانس رشد پس از حادثه را تبیین کرد که نشان می‌دهد متغیرهای حاضر در مدل برای پیش‌بینی PTG در این نمونه کافی نیستند. این یافته لزوماً به معنای نبود رابطه بین PTSD و PTG نیست، بلکه نشان می‌دهد مدل خطی میانجی‌گری معنایابی در این بافت تأیید نمی‌شود.

مناقشه

یافته‌های این تحقیق تصویری پیچیده و چندلایه از رابطه میان اختلال استرس پس از حادثه، معنایابی و رشد پس از حادثه در میان جوانان شهر کابل ارائه می‌دهد. پیش از هر چیز باید تأکید کرد که یافته‌های حاضر بر اساس مدل‌های خطی و میانجی‌گری ساده به دست آمده‌اند. با توجه به شواهد پیشین (شکسپیر-فینچ و لوری-بک، ۲۰۱۴؛ کلایم و اهلرز، ۲۰۰۹) که رابطه غیرخطی U شکل بین PTSD و PTG را گزارش کرده‌اند، عدم یافتن همبستگی خطی معنادار در این مطالعه نمی‌تواند به‌عنوان رد کلی هرگونه ارتباط بین این دو متغیر تفسیر شود. برخلاف انتظار اولیه، نتایج نشان داد که بین شدت علائم اختلال استرس پس از حادثه و رشد پس از حادثه رابطه مستقیم معناداری وجود ندارد. این یافته به‌روشنی فرضیه نخست را رد می‌کند و تأکید می‌نماید که تجربه پریشانی روان‌شناختی، حتی در سطوح متوسط تا بالا، ضرورتاً به رشد روان‌شناختی ادراک شده منتهی نمی‌شود. این نتیجه با مرورهای جامع نشان داده‌اند که رابطه میان استرس پس از حادثه و رشد پس از حادثه اکثراً ضعیف یا ناهمسان است و نمی‌توان آن را به‌صورت رابطه خطی ساده در همه بافت‌ها تعمیم داد؛ برای مثال، متآنالیز در بیماران سرطانی نشان داده است که ارتباط استرس پس از حادثه و رشد پس از حادثه گرچه مثبت است اما ضعیف می‌باشد ($r=0,08$) و با گذشت زمان یا شدت تروما تغییر می‌کند (مارزیلیانو و همکاران، ۲۰۲۰). هم‌زمان برخی مطالعات تصویری از روابط مثبت بین استرس پس از حادثه و رشد پس از حادثه گزارش کرده‌اند؛ در یک تحقیق گسترده بر زلزله‌زدگان، سطح هر دو بالا بود و ارتباط‌های مثبت معنادار بین آن‌ها مشاهده شد، که نشان می‌دهد تحت بعضی شرایط، افراد می‌توانند هم‌زمان تجربه رشد و پریشانی را گزارش کنند (جن و همکاران، ۲۰۱۴). این تطابق با نتایج نیمه‌خطی یا نامشخص در ادبیات تحقیقی تأکید می‌کند که رابطه استرس پس از حادثه و رشد پس از حادثه ممکن است متوسط تا پیچیده و وابسته به بافت اجتماعی، زمان پس از تروما و منابع حمایتی باشد.

در خصوص فرضیه دوم، یافته‌ها نشان داد که بین اختلال استرس پس از حادثه و معنایابی رابطه مثبت اما ضعیف و معناداری وجود دارد. این نتیجه حاکی از آن است که افزایش نشانه‌های استرس پس از حادثه می‌تواند روندهای شناختی فرد را برای جستجوی معنا فعال سازد. این یافته در بسیاری از تحقیقات نشان داده شده که وقتی افراد با تروما روبه‌رو می‌شوند، معنایابی فعال می‌شود و می‌تواند به کاهش شدت علائم استرس و حتی افزایش رشد کمک کند؛ در یک مطالعه بر روی افراد با تجربه روان‌پریشی، معنایابی و باور به توان مقابله، هم میانجی و هم پیش‌بینی‌کننده رشد پس از حادثه بودند، هرچند علائم نیز ممکن است معنایابی را مختل کنند (مازور و همکاران، ۲۰۱۶). با این حال، ضعف شدت این رابطه نشان می‌دهد که معنایابی در این نمونه بیشتر به صورت واکنشی شناختی به فشار روانی ظاهر شده است، نه به عنوان یک روند عمیق و تحول‌آفرین. بازمینی‌های نظری و تجربی نشان داده‌اند که معنایابی ممکن است در برخی جمعیت‌ها به رشد بینجامد اما این ارتباط همیشه قوی یا خطی نیست؛ برای نمونه یک مطالعه بر محصلان نشان داد که معنایابی صورت‌گرفته ممکن است با شدت کمتر علائم استرس پس از حادثه همراه باشد، اما نقش آن کاملاً مستقل و مستقیم در پیش‌بینی رشد ثابت نبود (اونیس، ۲۰۱۶).

فرضیه سوم تحقیق که وجود رابطه مثبت و معنادار میان معنایابی و رشد پس از حادثه را پیش‌بینی می‌کرد، مورد حمایت قرار نگرفت. این یافته از منظر نظری حائز اهمیت است، زیرا نشان می‌دهد که معنایابی به‌تنهایی برای شکل‌گیری رشد پس از حادثه کافی نیست. به نظر می‌رسد در بافت اجتماعی-فرهنگی کابل، معنایابی بیشتر در سطح شناختی باقی می‌ماند و ضرورتاً به بازسازی هویت، تغییر نگرش‌های بنیادین یا تجربه تحول‌پایدار منجر نمی‌شود. در همین راستا، یافته‌های برخی تحقیقات نیز نشان می‌دهد که رشد پس از حادثه ممکن است تحت تأثیر عوامل دیگری مانند حمایت اجتماعی، سبک‌های مقابله‌ای سازگار، و عوامل بین‌فردی قرار گیرد و معنایابی به‌تنهایی همیشه توجیه‌کننده رشد نباشد (اسکوبرت و همکاران، ۲۰۱۶). فشارهای اقتصادی و فقدان منابع حمایتی ممکن است فرصت لازم برای تعمیق معنایابی و تبدیل آن به رشد را محدود کرده باشد. این الگو همسو با مطالعاتی است که نشان می‌دهند رشد پس از حادثه در بسیاری از جمعیت‌ها با منابع محیطی و حمایتی رابطه دارد و نه صرفاً با تلاش برای معنا. برای مثال، بررسی در جمعیت نظامی نشان داده است که روابط میان‌فردی و عملکرد اجتماعی می‌تواند میانجی یا تعدیل‌کننده ارتباط استرس پس از حادثه و رشد پس از حادثه باشد، نه معنایابی صرف (باردین و همکاران، ۲۰۲۵). در نهایت، نتایج تحلیل میانجی‌گری نشان داد که معنایابی نقش میانجی معناداری در رابطه بین اختلال استرس پس از

حادثه و رشد پس از حادثه ایفا نمی‌کند. این یافته بیانگر آن است که هرچند جوانان با افزایش پریشانی روان‌شناختی به جست‌وجوی معنا می‌پردازند، اما این جریان به‌طور مستقل قادر به انتقال اثر تروما به رشد روان‌شناختی نیست. بنابراین، مسیر رشد پس از حادثه احتمالاً نیازمند هم‌زمانی معنایابی با سایر عوامل روان‌شناختی و اجتماعی نظیر حمایت اجتماعی، فرصت‌های بازاندیشی فعال، احساس امنیت نسبی و ثبات محیطی است. این نتیجه همسو با دیدگاه‌های مفهومی است که رشد پس از حادثه را پدیده‌ای چندعاملی می‌دانند و نه حاصل مستقیم یک روند منفرد (اسکوبرت و همکاران، ۲۰۱۶). در مجموع، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در میان جوانان کابل، معنا شرط لازم برای مواجهه شناختی با تروماست، اما شرط کافی برای رشد پس از حادثه محسوب نمی‌شود. این یافته بر ضرورت بازنگری در مدل‌های ساده خطی رشد پس از تروما و توجه بیشتر به بافت فرهنگی-اجتماعی در تبیین این پدیده تأکید دارد.

نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در چارچوب مدل‌های خطی و میانجی‌گری ساده، رشد پس از حادثه در میان جوانان شهر کابل با شدت علائم PTSD همبستگی معنادار ندارد و معنایابی نیز نقش میانجی ایفا نمی‌کند. با این حال، با توجه به محدودیت مطالعه در بررسی روابط غیرخطی، نمی‌توان نتیجه گرفت که PTSD و PTG اساساً نامرتب هستند. بلکه باید گفت مدل خطی میانجی‌گری معنایابی در این بافت تأیید نمی‌شود و بررسی مدل‌های جایگزین (از جمله روابط غیرخطی و نقش تعدیل‌گر متغیرهای بافتی) ضروری است. یافته‌ها بیانگر آن است که اگرچه تجربه پریشانی روان‌شناختی می‌تواند جریان معنایابی را فعال سازد، اما این روند به‌تنهایی قادر به تبیین یا پیش‌بینی رشد پس از حادثه نیست و نقش میانجی آن در این نمونه تأیید نشد. این امر نشان می‌دهد که معنایابی، هرچند عنصر مهمی در مواجهه شناختی با تروماست، برای تحقق رشد روان‌شناختی پایدار کافی نیست. از منظر نظری، نتایج این تحقیق از دیدگاهی حمایت می‌کند که رشد پس از حادثه را نه به‌عنوان پیامد مستقیم رنج، بلکه به‌عنوان حاصل تعامل پویا میان روندهای شناختی، هیجانی و شرایط محیطی می‌داند. در بافتی مانند کابل که جوانان به‌طور مداوم در معرض فشارهای اقتصادی و محدودیت منابع حمایتی قرار دارند، امکان تبدیل معنایابی به رشد ممکن است تضعیف شود. بنابراین، رشد پس از حادثه بیش از آن‌که نتیجه صرف معناجویی باشد، نیازمند زمینه‌های حمایتی و فرصت‌های واقعی برای بازسازی روان‌شناختی است. از منظر کاربردی، یافته‌های این تحقیق بر ضرورت طراحی مداخلات جامع سلامت روان تأکید می‌کند؛ مداخلاتی که فراتر از کاهش علائم آسیب‌شناختی، بر تقویت منابع

حمایتی، ایجاد فضاهای امن برای بازاندیشی، و تسهیل پردازش عمیق تجربه تروما تمرکز داشته باشند. تأکید صرف بر معنا بدون توجه به شرایط ساختاری و اجتماعی، ممکن است نتواند به رشد واقعی منجر شود. در نهایت، این تحقیق نشان می‌دهد که درک سازگاری روان‌شناختی جوانان افغان پس از تروما، مستلزم عبور از نگاه آسیب‌محور صرف و توجه هم‌زمان به محدودیت‌ها و ظرفیت‌های رشد در بستر فرهنگی-اجتماعی خاص افغانستان است. چنین نگاهی می‌تواند مبنایی علمی برای توسعه سیاست‌ها و مداخلات مؤثر در حوزه سلامت روان جوانان فراهم آورد.

محدودیت‌ها

این تحقیق با طرح مقطعی انجام شده است؛ بنابراین امکان استنباط روابط علی میان متغیرها وجود ندارد.

معلومات بر اساس ابزارهای خودگزارشی جمع‌آوری شده‌اند که می‌تواند تحت تأثیر سوگیری پاسخ‌دهی قرار گیرند.

استفاده از نمونه‌گیری در دسترس تعمیم‌پذیری نتایج به کل جوانان افغانستان را محدود می‌سازد. در مدل تحقیق، تنها معنایابی به‌عنوان متغیر میانجی بررسی شد و سایر عوامل مؤثر بالقوه در رشد پس از حادثه وارد تحلیل نشدند.

نوع، شدت و فاصله زمانی از رویدادهای آسیب‌زا به‌صورت تفکیکی کنترل یا تحلیل نشد. در این مطالعه تنها روابط خطی بین متغیرها آزمون شد، در حالی که شواهد پیشین احتمال رابطه غیرخطی (U شکل) بین PTSD و PTG را مطرح کرده‌اند. بررسی چنین روابطی نیازمند مدل‌های رگرسیون چندجمله‌ای یا طرح‌های طولی با گروه‌بندی سطوح PTSD است که در این تحقیق انجام نشد. شاخص‌های برازش مدل SEM علیرغم عدم معناداری مسیرهای اصلی در سطح قابل قبول بودند. این وضعیت نشان می‌دهد که مدل از نظر ساختاری بدتناسبی ندارد، اما متغیرهای پیش‌بین توان تبیین PTG را ندارند. تفسیر همزمان شاخص‌های برازش خوب و R^2 بسیار پایین باید با احتیاط انجام شود.

پیشنهادها

انجام تحقیقات طولی برای بررسی مسیر زمانی معنایابی و رشد پس از حادثه توصیه می‌شود. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده متغیرهای تعدیلی و میانجی دیگر مانند حمایت اجتماعی، تاب‌آوری و سبک‌های مقابله‌ای وارد مدل شوند.

استفاده از روش‌های کیفی یا آمیخته می‌تواند به درک عمیق‌تر روند معنایابی در بافت فرهنگی افغانستان کمک کند.

مداخلات سلامت روان باید علاوه بر کاهش علائم، بر ایجاد شرایط تسهیل‌کننده رشد پس از حادثه تمرکز داشته باشند.

طراحی برنامه‌های روان‌شناختی مبتنی بر معنا لازم است همراه با حمایت اجتماعی و فرصت‌های بازاندیشی فعال اجرا شود.

سپاسگزاری

بدین وسیله از تمامی جوانان گرامی شهر کابل که با صبر، دقت و همکاری صمیمانه در تکمیل پرسش‌نامه‌ها این تحقیق را یاری رساندند، صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم. مشارکت مسئولانه و ارزشمند آنان نقش اساسی در تحقق اهداف این تحقیق داشته است. همچنین از مسئولین محترم نهادها و مراکز آموزشی و اجتماعی شهر کابل که با فراهم‌سازی تسهیلات لازم، زمینه اجرای این تحقیق را مهیا ساختند، قدردانی می‌شود. در پایان، از اساتید و همکاران گرامی که با راهنمایی‌ها، مشورت‌ها و توصیه‌های علمی خود در مراحل مختلف انجام این تحقیق نقش مؤثری ایفا نمودند، نهایت تشکر و امتنان به عمل می‌آید.

سهم نویسندگان در تحقیق (مقاله)

نویسنده مسئولیت کامل طراحی و مفهوم‌پردازی تحقیق، گردآوری معلومات، تحلیل و تفسیر نتایج، و نگارش مقاله را بر عهده داشته است.

تضاد منافع

تضاد منافع وجود ندارد.

- Ahmadi, S. J., Jobson, L., Earnest, A., McAvoy, D., Musavi, Z., Samim, N., & Sarwary, S. A. A. (2022). Prevalence of Poor Mental Health Among Adolescents in Kabul, Afghanistan, as of November 2021. *JAMA Network Open*, 5(6), <https://doi.org/10.1001/jamanetworkopen.2022.18981>
- Almeida, M., Ramos, C., Maciel, L., Basto-Pereira, M., & Leal, I. (2022). Meaning in life, meaning-making and posttraumatic growth in cancer patients: Systematic review and meta-analysis. *Frontiers in Psychology*, 13. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.995981>
- American Psychiatric Association. (2022). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders*. American Psychiatric Association Publishing. <https://doi.org/10.1176/appi.books.9780890425787>
- Ashbaugh, A. R., Houle-Johnson, S., Herbert, C., El-Hage, W., & Brunet, A. (2016). Psychometric Validation of the English and French Versions of the Posttraumatic Stress Disorder Checklist for DSM-5 (PCL-5). *PLOS ONE*, 11(10), e0161645. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0161645>
- Barden, E. P., Kumar, S. A., Sager, J. C., Thompson-Hollands, J., Lee, D. J., Harper, K., Keane, T. M., & Marx, B. P. (2025). Posttraumatic stress and posttraumatic growth among female and male veterans: The contribution of romantic relationship and friendship functioning. *Journal of Traumatic Stress*, 38(3), 399–409. <https://doi.org/10.1002/jts.23134>
- Blevins, C. A., Weathers, F. W., Davis, M. T., Witte, T. K., & Domino, J. L. (2015). The Posttraumatic Stress Disorder Checklist for DSM-5 (PCL-5): Development and Initial Psychometric Evaluation. *Journal of Traumatic Stress*, 28(6), 489–498. <https://doi.org/10.1002/jts.22059>
- Blix, I., Hansen, M. B., Birkeland, M. S., Nissen, A., & Heir, T. (2013). Posttraumatic growth, posttraumatic stress and psychological adjustment in the aftermath of the 2011 Oslo bombing attack. *Health and Quality of Life Outcomes*, 11(1), 160. <https://doi.org/10.1186/1477-7525-11-160>
- Bronstein, I., Montgomery, P., & Dobrowolski, S. (2012). PTSD in Asylum-Seeking Male Adolescents From Afghanistan. *Journal of Traumatic Stress*, 25(5), 551–557. <https://doi.org/10.1002/jts.21740>
- Cann, A., Calhoun, L. G., Tedeschi, R. G., Taku, K., Vishnevsky, T., Triplett, K. N., & Danhauer, S. C. (2010). A short form of the Posttraumatic Growth Inventory. *Anxiety, Stress & Coping*, 23(2), 127–137. <https://doi.org/10.1080/10615800903094273>
- Damáso, B. F., & Koller, S. H. (2015). Meaning in Life Questionnaire: Adaptation process and psychometric properties of the Brazilian version. *Revista Latinoamericana de Psicología*, 47(3), 185–195. <https://doi.org/10.1016/j.rlp.2015.06.004>
- Fayaz, I., & Khanna, P. (2025). Understanding Posttraumatic Growth in Conflict-Affected Children and Adolescents: A Systematic Scoping Review. *Journal of Evidence-Based Social Work*, 22(6), 815–835. <https://doi.org/10.1080/26408066.2025.2510277>

- Jin, Y., Xu, J., & Liu, D. (2014). The relationship between post traumatic stress disorder and post traumatic growth: gender differences in PTG and PTSD subgroups. *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, 49(12), 1903–1910. <https://doi.org/10.1007/s00127-014-0865-5>
- Hasannezhad Reskati, M., Sharif-Nia, H., Hosseini, S. H., Azadeh, H., Yazdirad, B., Alizadeh-Navaei, R., & Elyasi, F. (2025). The psychometric properties of the post-traumatic stress disorder questionnaire (PCL-5) for cancer patients in Iran. *Cancer Reports*, 8(9). <https://doi.org/10.1002/cnr.2.70331>
- Heidarzadeh, M., Naseri, P., Shamshiri, M., Dadkhah, B., Rassouli, M., & Gholchin, M. (2017). Evaluating the Factor Structure of the Persian Version of Posttraumatic Growth Inventory in Cancer Patients. *Asian Nursing Research*, 11(3), 180–186. <https://doi.org/10.1016/j.anr.2017.07.003>
- Kangaslampi, S., Peltonen, K., & Hall, J. (2022). Posttraumatic growth and posttraumatic stress – a network analysis among Syrian and Iraqi refugees. *European Journal of Psychotraumatology*, 13(2). <https://doi.org/10.1080/20008066.2022.2117902>
- Kaye-Tzadok, A., & Icekson, T. (2022). A phenomenological exploration of work-related post-traumatic growth among high-functioning adults maltreated as children. *Frontiers in Psychology*, 13. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.1048295>
- Kleim, B., & Ehlers, A. (2009). Evidence for a curvilinear relationship between posttraumatic growth and posttrauma depression and PTSD in assault survivors. *Journal of Traumatic Stress*, 22(1), 45–52. <https://doi.org/10.1002/jts.20378>
- Marziliano, A., Tuman, M., & Moyer, A. (2020). The relationship between post-traumatic stress and post-traumatic growth in cancer patients and survivors: A systematic review and meta-analysis. *Psycho-Oncology*, 29(4), 604–616. <https://doi.org/10.1002/pon.5314>
- Mazor, Y., Gelkopf, M., Mueser, K. T., & Roe, D. (2016). Posttraumatic Growth in Psychosis. *Frontiers in Psychiatry*, 7. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2016.00202>
- Meyerson, D. A., Grant, K. E., Carter, J. S., & Kilmer, R. P. (2011). Posttraumatic growth among children and adolescents: A systematic review. *Clinical Psychology Review*, 31(6), 949–964. <https://doi.org/10.1016/j.cpr.2011.06.003>
- Nowland, R., Necka, E. A., & Cacioppo, J. T. (2018). Loneliness and Social Internet Use: Pathways to Reconnection in a Digital World? *Perspectives on Psychological Science*, 13(1), 70–87. <https://doi.org/10.1177/1745691617713052>
- Owens, G. P. (2016). Predictors of Posttraumatic Growth and Posttraumatic Stress Symptom Severity in Undergraduates Reporting Potentially Traumatic Events. *Journal of Clinical Psychology*, 72(10), 1064–1076. <https://doi.org/10.1002/jclp.22309>
- Park, C. L. (2010). Making sense of the meaning literature: An integrative review of meaning making and its effects on adjustment to stressful life events. *Psychological Bulletin*, 136(2), 257–301. <https://doi.org/10.1037/a0018301>
- Poya, B., Esmaeili, M., & Naghavi, A. (2025). Post-traumatic growth of Afghan adolescents after traumatic loss of father. *Journal of Child Health Care*, 29(1), 97–108. <https://doi.org/10.1177/13674935231183020>

- Schubert, C. F., Schmidt, U., & Rosner, R. (2016). Posttraumatic Growth in Populations with Posttraumatic Stress Disorder—A Systematic Review on Growth-Related Psychological Constructs and Biological Variables. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 23(6), 469–486. <https://doi.org/10.1002/cpp.1985>
- Schulenberg, S. E., Strack, K. M., & Buchanan, E. M. (2011). The meaning in life questionnaire: psychometric properties with individuals with serious mental illness in an inpatient setting. *Journal of Clinical Psychology*, 67(12), 1210–1219. <https://doi.org/10.1002/jclp.20841>
- Shakespeare-Finch, J., & Lurie-Beck, J. (2014). A meta-analytic clarification of the relationship between posttraumatic growth and symptoms of posttraumatic distress disorder. *Journal of Anxiety Disorders*, 28(2), 223–229. <https://doi.org/10.1016/j.janxdis.2013.10.005>
- Sharif Nia, H., Mohammadinezhad, M., Allen, K. A., Boyle, C., Pahlevan Sharif, S., & Rahmatpour, P. (2022). Psychometric evaluation of the Persian version of the spiritual well-being scale (SWBS) in Iranian patients with cancer. *Palliative and Supportive Care*, 20(1), 113–121. <https://doi.org/10.1017/S1478951521000407>
- Steger, M. F., Frazier, P., Oishi, S., & Kaler, M. (2006). The meaning in life questionnaire: Assessing the presence of and search for meaning in life. *Journal of Counseling Psychology*, 53(1), 80–93. <https://doi.org/10.1037/0022-0167.53.1.80>
- Tedeschi, R. G., & Calhoun, L. G. (1996). The Posttraumatic Growth Inventory: Measuring the positive legacy of trauma. *Journal of Traumatic Stress*, 9(3), 455–471. <https://doi.org/10.1007/BF02103658>
- Tedeschi, R. G., & Calhoun, L. G. (2004). TARGET ARTICLE: “Posttraumatic Growth: Conceptual Foundations and Empirical Evidence.” *Psychological Inquiry*, 15(1), 1–18. https://doi.org/10.1207/s15327965pli1501_01
- Wang, Y., Chung, M. C., Wang, N., Yu, X., & Kenardy, J. (2021). Social support and posttraumatic stress disorder: A meta-analysis of longitudinal studies. *Clinical Psychology Review*, 85, 101998. <https://doi.org/10.1016/j.cpr.2021.101998>
- Weathers, F.W., Litz, B.T., Keane, T.M., Palmieri, P.A., Marx, B.P., & Schnurr, P.P. (2013). *The PTSD Checklist for DSM-5 (PCL-5)*. Scale available from the National Center for PTSD at www.ptsd.va.gov.